

شعر و شهود

هفتاد اثر تغزلی آلمانی

با شعرهایی از گوته، هلدِرلین، نیچه، ریلکه، برشت...

انتخاب و ترجمه

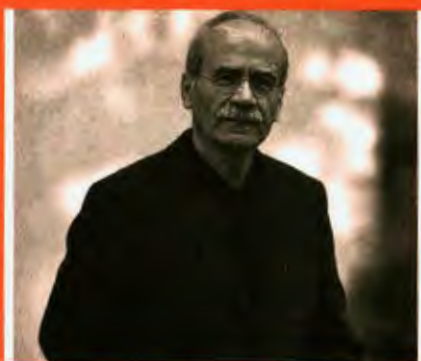
محمود حدادی



شعر و شهود

محمود حدادی

۱۳۲۶ مترجم



محمود حدادی متولد شهر قزوین است. وی مقطع دبیرستان را در رشته‌ی ادبیات در همین شهر گذراند و تحصیلات دانشگاهی را در شهر برلین در رشته‌ی ادبیات آلمانی به‌اتمام رساند.

وی در سال ۱۳۸۸ در رشته‌ی ادبیات آلمانی از دانشگاه آزاد برلین (FU BERLIN) با مدرک فوق لیسانس فارغ‌التحصیل شد. حدادی از سال ۱۳۶۳ آثاری را از نویسندگان آلمانی به فارسی برگردانده است.

اولین ترجمه‌ی حدادی، رمان زبردست اثر هاینریش مان، در سال ۱۳۶۳ انتشار یافت.

شعر و شهود

هفتاد اثر تغزلی آلمانی

با شعرهایی از گوته، هلدَرلین، نیچه، ریلکه، برشت...

انتخاب و ترجمه

محمود حدادی



نشر گویا

سرشناسه : حدادی، محمود، ۱۳۲۶ - ، گردآورنده، مترجم

عنوان و نام پدیدآور : شعر و شهود: هفتاد اثر تغزلی آلمانی با

شعرهایی از گوته، هلدلین... / گردآوری و ترجمه محمود حدادی.

مشخصات نشر : تهران : نشر گویا، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری : ۲۴۸ ص؛ ۱۴ × ۲۱ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۲-۱۲۷-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۴۴.

موضوع : شعر آلمانی -- تاریخ و نقد

رده بندی کنگره : PT۵۲۳

رده بندی دیویی : ۸۳۱/۰۰۹

شماره کتابشناسی ملی : ۹۱۳۸۴۴۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا



نشر گویا

خیابان کریم خان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹

تلفن : ۸۸۳۱۳۴۳۱ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

www.gooyabooks.com info@gooyapub.com



gooya.publication
gooyabookstore

شعر و شعود

گزیده‌ای از شاعران آلمانی

انتخاب و ترجمه: محمود حدادی

طرح جلد: محمد زمانیان

چاپ نخست: ۱۴۰۲ • تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۲-۱۲۷-۲

چاپ: خانه‌ی فرهنگ و هنر گویا

حق چاپ و انتشار کلیه‌ی مطالب محفوظ است.

هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر است.

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

فهرست

- ۱۳ یادداشت مترجم
- ۱۵ بر سر دریای خزر: (پانول فِلْمینگ)
- ۱۶ حدیث ناکامی‌های شاعری جوان
- ۲۰ همه چیز باطل است (آندریاس گریفیوس)
- ۲۱ زندگی در سایه جنگ
- ۲۳ سرمایه پنج و شش روزه زیبایی (کریستیان هوفمنس فون والدانو)
- ۲۴ خروج از سایه جنگ
- ۲۶ اندیشه‌ای بر برگ‌ریزان پاییزی (بارتولد هینریش بروکس)
- ۲۸ نقاشی با قلم شعر
- ۲۹ چکامه‌ای در ستایش موسیقی (فریدریش کُلپ‌اشتک)
- ۳۰ جهانی زنده از موسیقی
- ۳۳ ترس یار (فریدریش کُلپ‌اشتک)
- ۳۴ اندوه ترک یار
- ۳۵ مرزهای انسانی (یوهان ولفگانگ فون گوته)
- ۳۶ فلسفه در شعر

- ۳۹ ترانهٔ شبانهٔ رهنورد (یوهان ولفگانگ فون گوته)
 ۳۹ شوق آرامش، یا مرگ؟
- ۴۲ به هزار جلوه (یوهان ولفگانگ فون گوته)
 ۴۳ معشوقه، جلوهٔ جامع آفرینش
- ۴۶ به گل سرخ (یوهان ولفگانگ فون گوته)
 ۴۶ حاکمیت زیبایی یا دانش؟
- ۴۹ سرود عارفانهٔ همگانی (یوهان ولفگانگ فون گوته)
 ۴۹ زن، برانگیزندهٔ شناخت
- ۵۲ نوحه (فریدریش شیلر)
 ۵۳ در سوگِ مرگِ زیبایی
- ۵۵ پوزش (فریدریش هلدرلین)
 ۵۵ وداعی به دور از فراموشی
- ۵۷ سقراط و آلکیبیادس (فریدریش هلدرلین)
 ۵۸ از جاذبهٔ جوانی
- ۶۰ پسندِ عامه (فریدریش هلدرلین)
 ۶۰ عشق و عوام
- ۶۲ نیمه‌ی عمر (فریدریش هلدرلین)
 ۶۳ پاییزِ جان
- ۶۴ چکامه‌ای به دوستانِ ادبیات (ژزف هامر فون پورگشتال)
 ۶۷ فتح عاشقانهٔ مشرق
- ۶۹ فردوسی شاعر (هاینریش هاینه)
 ۷۵ از مرگِ ادبیات حکایت شاه و شاعر

- ۷۸ سه کولی (نیکلای لئانو)
- ۷۹ ... کی پذیرد همواری
- ۸۱ ترانه شامگاهی (گتفرید کلر)
- ۸۲ پنجره چشم
- ۸۴ صداهاى شبانه (کنراد فردیناند مایر)
- ۸۵ مجال مختصر زیبایی
- ۸۷ اندر باب نقصان مایه و شماتت همسایه (ویلهم بوش)
- ۸۷ همدردی بر پایه حس حسادت
- ۹۰ فریاد کلاغ‌ها (فریدریش نیچه)
- ۹۱ دل‌بستگی و سرخوردگی
- ۹۳ خورشید فرومی‌نشیند (فریدریش نیچه)
- ۹۴ به پیشواز خلوت جنون
- ۹۶ ادوار عمر (ریکارد اهوخ)
- ۹۷ از مادر طبیعت
- ۹۹ سرور جزیره (اشتفان گنورگ)
- ۱۰۰ از دستبرد انسان
- ۱۰۳ مسیح دروغین (اشتفان گنورگ)
- ۱۰۴ همه‌گیری جنون
- ۱۰۶ برای گابریل (هاینریش مان)
- ۱۰۷ جنگ برای صلح
- ۱۱۰ به اورفه (راینر ماریا ریلکه)
- ۱۱۰ سرود نوزدهم از دفتر اول
- ۱۱۱ سهم ناچیز عشق و خرد

- ۱۱۳ به اورفه (راینر ماریا ریلکه)
 ۱۱۳ سرود بیست و ششم از دفتر اول
 ۱۱۴ صدای سخن عشق
 ۱۱۷ به اورفه (راینر ماریا ریلکه)
 ۱۱۷ سرود بیست و یکم از دفتر اول
 ۱۱۸ رنج گنج
 ۱۱۹ نیمروز پاییزی (هرمان هسه)
 ۱۲۰ نقاشی ناپایدار طبیعت
 ۱۲۲ محله یهودی های لندن (ارنست اشتادلر)
 ۱۲۳ تقالۀ انسانی صنعت
 ۱۲۶ تیمور و زن غیبگو (اسکار لورکه)
 ۱۲۷ منشأ شر
 ۱۲۹ خدای شهر (گنورگ هایم)
 ۱۳۰ قریانگاه توده
 ۱۳۲ جنگ (گنورگ هایم)
 ۱۳۴ خدای خاکی
 ۱۳۶ گرویدک (گنورگ تراکل)
 ۱۳۷ جنگ، و هم یا واقعیت؟
 ۱۳۹ اورفه (ایوان گل)
 ۱۴۰ رنج خطا
 ۱۴۲ به ملت های روی زمین (نلی زاکس)
 ۱۴۳ نیاز جان به پالایش زبان
 ۱۴۵ خانه کوچک (برتولت برشت)
 ۱۴۵ آتش خدایی

- ۱۴۸ دزد گیلان (برتولت برشت)
- ۱۴۸ رویای بهشت گم شده
- ۱۵۱ پرسش‌های کارگری کتاب‌خوان از تاریخ (برتولت برشت)
- ۱۵۲ بازخوانی تردیدآمیز تاریخ
- ۱۵۴ در باب حلقه به گوشی طبیعت (برتولت برشت)
- ۱۵۵ طبیعت، نماد پاکی یا توحش؟
- ۱۵۷ به آیندگان (برتولت برشت)
- ۱۶۱ امانتِ امید
- ۱۶۳ سه بار (ماری لونیزه کاشنیتس)
- ۱۶۴ مرگ و فراموشی
- ۱۶۶ هیروشیما (ماری لونیزه کاشنیتس)
- ۱۶۷ داوری چشم جهان
- ۱۶۹ گناه کاران (رُزه آشلندر)
- ۱۷۰ از سرشت همگون الهام
- ۱۷۰ همتِ آدم
- ۱۷۲ هجرت (پتر هوخل)
- ۱۷۳ گفت‌وگوی خاموشِ شبانه
- ۱۷۴ زیر تیغ برهنه ماه (پتر هوخل)
- ۱۷۴ انزوای انسان دوستی
- ۱۷۶ برای قناعت دیر است (گونتر آیش)
- ۱۷۷ «ما خواستیم و نتوانستیم...»
- ۱۷۹ تمنا (هیلده دُمین)
- ۱۸۰ در بازجستِ اصل خویش

- ۱۸۲ در حاشیه (کریستینه بوستا)
- ۱۸۳ شکوه و ارستگی
- ۱۸۵ این مردان پیر (کارل کرلو)
- ۱۸۶ در حاشیه زندگی
- ۱۸۸ از امروز، اما برای همیشه (کریستینه لاونت)
- ۱۸۸ نازکای شکننده سعادت عشق
- ۱۹۰ خیزش دهقانان ساملند در سال ۱۵۲۵ (یوهانس بو بروشکی)
- ۱۹۱ نیکی نابه جای ساده دلی
- ۱۹۴ عنصر بیگانه (پانول سیلان)
- ۱۹۵ بازیچه زمان و جنون
- ۱۹۷ و نیرو و رنج ... (پانول سیلان)
- ۱۹۷ تردید در سود سخن
- ۱۹۹ ترس و تردید (اریش فرید)
- ۲۰۰ شک بارور
- ۲۰۱ سخن رانی ها (اریش فرید)
- ۲۰۲ زنگارزدایی از کلام
- ۲۰۳ پیش از آن که بمیرم (اریش فرید)
- ۲۰۴ برای آیندگان
- ۲۰۶ گردوها (ولفگانگ پشَلر)
- ۲۰۷ وبال یا میراث معنوی مردگان
- ۲۰۹ توسل به دب اکبر (اینگه بورگ باخمان)
- ۲۱۰ آسمان بی ملکوت
- ۲۱۲ پیام

- ۲۱۳ ترانه یکم (اینکه بورگ باخمان)
- ۲۱۳ برداشتِ درون
- ۲۱۵ برای یک کودک (گوئتر برونو فوکس)
- ۲۱۶ حلول امید
- ۲۱۷ گردش در شهر (هانس ماگنوس اینسنس برگر)
- ۲۱۹ در ورای ظواهر
- ۲۲۰ باغ غریب (هانس ماگنوس اینسنس برگر)
- ۲۲۱ موضوع محیط زیست
- ۲۲۲ اطلس (گوئتر کونرت)
- ۲۲۴ در راه آرمان شهر (گوئتر کونرت)
- ۲۲۶ فیلم، در چرخش وارو (گوئتر کونرت)
- ۲۲۷ نبرد اسکندر (گوئتر کونرت)
- ۲۲۸ نسل بعد از برشت
- ۲۳۲ ماشین کوچک (راینر کونسه)
- ۲۳۳ از افلاس شاعران
- ۲۳۵ برداشتی آنی، از شهر دوسلدورف (راینر کونسه)
- ۲۳۵ همچنان همه بر همه ...
- ۲۳۷ خواهشی نهانی از پیشگاه قدوم تو (راینر کونسه)
- ۲۳۷ مرگ، بدیهی مثل خواب
- ۲۳۹ زمان از دست رفته (کریستف مکمل)
- ۲۳۹ لذت دغدغه آلود رؤیا

- ۲۴۱ پیدایش فرد در توده (نیکلاس بُرن)
- ۲۴۲ صنعت و شخصیت
- ۲۴۴ نادره‌بید زیبا (راینر مالکوفسکی)
- ۲۴۴ فرصت‌طلبی خوشایند
- ۲۴۷ عُمده منابعی که پایه تفاسیر این دفتر قرار گرفته‌اند

یادداشت مترجم

در دفتر حاضر ترجمه هفتاد شعر از شاعران آلمانی زبان از قرن هفدهم تا امروز آمده است، گزیده‌ای شاید برای زمانی چهارصدساله مختصر. با این حال سعی این بوده است که به سهم خود چشم‌اندازی بی‌واسطه به روی تغزل آلمانی باز کند.

نظر به تنگناهای ترجمه متن منظوم، شعرهایی انتخاب شده‌اند که برگردان به نثر، به غنایشان لطمه کم‌تری بزند. برای همین شعرهای روایی در عمل کفه‌ای سنگین‌تر یافتند. دیگر معیار انتخاب، نزدیکی فضا با دنیای شعر فارسی بوده است.

برای راه‌یافتی بیشتر به مضامین این شعرها، با هرکدام تفسیری هم آمده است تا زمینه‌های تاریخی و فرهنگی‌شان را به تقریب روشن کند. اما این تفسیرها مقام مستقل خود را دارند. حتی برخی شعرها به بهانه تفسیر شرایط اجتماعی، فکری و تاریخی پیدایش آن‌هاست که در دایره انتخاب آمده‌اند و محض تأیید بر هم‌تزاری هر دو بخش هم هست عنوان دوگانه تغزل و تفسیر برای این دفتر که نگاهی هم به مکتب‌های ادبی و سیر اندیشه در این مکتب‌ها داشته است. به این منظور اشعار بر پایه تاریخ زندگی شاعران توالی یافته‌اند.

طبیعی است. تفسیر شعر هراندازه هم پیگیر باشد به این معنا نیست که هر تصویرش را می‌شود مثل اندامی جسمانی شکافت، به هر گوشه‌اش نور تاباند و برایش مفهومی محدود تعیین کرد. بلکه راز شعر بیشتر در یکپارچگی آن و تصویرهای بسا دوپهلویش تجلی می‌کند.

چهار شعر این دفتر به ایران و ادبیات فارسی می‌پردازند، امری که به کتاب حاضر رنگی آشناتر می‌بخشد، اگرچه شعر، نظر به توان بی‌کرانش در تصویرآفرینی و نمادپردازی، خاصه بیان احساس‌ها و اندیشه‌های هنوز یا همچنان گنگ انسانی، بیان بیم و امید و وُهم و آرزو، رسانۀ عاطفی آحاد انسانی است و از مرز فرهنگ‌های ملی فراتر می‌رود. گذشته از آن که امروزه ملت‌ها به حکم جهانی‌شدن همه‌گونه ارتباط، در زبان و نشانه به اشتراکات پیوسته بیشتری می‌رسند و ادبیات ملی رنگی از ادبیات جهانی می‌یابد.

بر این هم تأکید شود که رفتن به گذشته‌های دور به معنای آن نیست که درک شعر کهن به همان میزان مشکل‌تر می‌شود. حتی برعکس. زبان شعر آلمانی عصر باروک در قرن هفدهم با عناصر و موضوعات شعر کلاسیک فارسی همخوانی آشکاری دارد، از آن جمله است مضامینی مانند ناپایداری عمر، ناسازی‌های زندگی یا وصل‌ناپذیری معشوقه ...

بالین حال پیداست شعر آلمانی بسیار زودتر آن زبانی را جست و یافت و پرورد که در ادبیات فارسی پس از دیری سرانجام نیما یوشیج راهگشای آن شد و برای شعر فارسی هم امکان فراهم کرد در زبان و بیان با انسان عصر خود همگام شود. دستاورد بزرگ این نوآوری این که شعر دیگر به بیان زیبایی و والایی بسنده نکرد، بلکه نگاهی هم برای دیدن وحشت‌ها و بی‌خویشتی‌های انسان امروز یافت. این تحول در دفتر حاضر بیش از همه در شعرهای مکتب اکسپرسیونیسم در سرآغاز قرن بیستم است که نمودی بارزتر می‌یابد.

بر سر دریای خزر

پائول فِلَمینگ^۱

ای خوب‌روترین همه سیرن‌های آسیایی
ای دوریس! به در آ و راه ما را در پیش روی ما به ما بنما!
هلا، ای کاستور، پولوکس!
به درآیید، شما ای برادران هلنی
که تاکنون هیچ کشتی آلمانی را
بر سر این دریا به نام آواز نداده‌اید!
فروغی بر راه ما بتایید، ای سیرن‌های نازنین
فروغی چنان‌که شب ظلمانی هم
در پرتو شمایان هادی راه ما باشد.

اینک در اینجا
آن کشتی بلندنام و شریف
که دیری ست آوازه‌اش به گوش‌تان رسیده است!

آن کشتی که درخور مارس است، وزیننده نام او.
و یونو و ونوس با آن مهربان اند،
کشتی ای که مردانش به ستایش شما
از سرزمین شامگاهی به سرزمین بامدادان آمده‌اند.

حدیث ناکامی‌های شاعری جوان

یک

ولفگانگ کپن^۱، رمان‌نویس واقع‌گرای آلمانی قرن بیستم، در ارزیابی زمانه‌ی سرایش این شعر می‌گوید: «ما در پاییز قرون وسطی هستیم. جهان هنوز به نیمی نامسکون است و جامعه‌ی انسانی زیر سیطره‌ی خان‌های خودکام، در قلعه‌های محکم و دسترس‌ناپذیرشان با دژخیمان و فراشان سربه‌پیمان و خراج‌بگیران بی‌رحم در دوران بی‌قانونی، سرکوب و اعدام و حق‌پیش‌دامادی ارباب در شب اول.

اما اینک رنسانس شکل می‌گیرد. زمان گسترش خط، طلوع اومانسیم و کشف قاره‌ی آمریکا است. در این میان در دانشگاه‌های تازه‌تأسیس اروپایی و به‌رغم آنکه مسلمانان از اندلس^۲ رانده شده‌اند، «طب عربی» تدریس می‌شود و اگر غرب اروپا یکپارچه مسیحی شده است، در شرق سلطان سلیم دوم قسطنطنیه پایتخت بیزانس را به تصرف درآورده است و پاپ را در رم برآن داشته است برای جنگ صلیبی فراخوان به اتحاد همه‌ی کشورهای اروپایی بدهد، درحالی‌که هم‌زمان با او دو کشیش دیگر در آلمان و فرانسه در حرص سهم‌گرفتن از قدرت و مال دنیا او را به پیشوایی قبول ندارند و شخص خود را پاپ می‌خوانند. اراسموس^۳ در همین دوران فیلسوف جوانی است که آثار

1. Wolfgang Koeppen

۲. آندلس یکی از ۱۷ بخش خودمختار کشور اسپانیا است.

3. Erasmus

لوسیان، طنزپرداز بی مثال رم باستان را ترجمه می کند و قرار است به زودی خرد را حق فسخ ناپذیر انسان در راه درک دین بخواند. اصلاحات کلیسایی، ضرورتی ناگزیر شده است. یوهانس هوؤس، دهقان زاده ای فقیر، در کشور چک به درجه بالایی فقاقت می رسد و با اشرافیت دنیا زده جامعه روحانیت به ستیز در می آید. مجمع روحانیان شهر کنستانس^۱ او را به ارتداد متهم می کند و در آتش می سوزاند، اما خیزش مردم و رجوع به ادبیات ملی، رهبری دنیای کاتولیک را بیش از پیش عقب می راند.»

دو

سال ۱۶۳۳ و اینک بیش از پانزده سال است که کشورهای فنودالی آلمان و اروپای میانه در آتش جنگی می سوزند که کاتولیک ها و پروتستان علیه هم به پا کرده اند و بعدها جنگ های سی ساله لقب خواهد گرفت. در این سال شاه فریدریش سوم^۲، امیر ایالت هولشتاین^۳، هیأتی بزرگ را روانه روسیه و ایران عهد صفوی می کند، به امید آن که بتواند از شمال اروپا و گذرگاه روسیه و دریای خزر راهی بازرگانی به آسیا بیابد و به این ترتیب جاده ابریشم را به طرف شمال اروپا برگرداند. دامنه تأثیر این گام از میدان منافع این خان محلی فراتر می رود. از این رو حمایت پنهان اسپانیا و قیصر آلمان را با خود دارد؛ حمایت پنهان آن ها را، چون که جنگی اقتصادی در میان است. کشورهای دریانورد، خاصه انگلستان و هلند تجارت دریایی با هند و ایران را به انحصار خود در آورده اند. اما کشورهای اروپای میانه در راه خشکی به شرق، همه جا با مرزهای گذرناپذیر امپراتوری عثمانی بر می خورند که دشمن بزرگ جهان مسیحیت است و راه ها را بر آن ها بسته است. اینان یا باید از بازرگانی با مشرق چشم پپوشند یا رو به شرق، گرد قاره آفریقا بگردند. در این

1. Constance
2. Friedrich III
3. Holstein

میان راه بارها کوتاه‌تر مسکو-خزر-اصفهان باید که انحصار تجارت با شرق را از دست انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در بیاورد.

منشی و مترجم این هیأت، آدام الناریوس^۱ (۱۶۷۱-۱۵۹۹) زبان‌پژوه بزرگ دوران خود است که مقدر خواهد بود بعد از بازگشت از ایران به کمک حق‌وردی، قزلباش فراری دربار شاه صفی، گلستان سعدی را به آلمانی ترجمه کند. دستیار الناریوس در این سفر پرخطر هفت‌ساله شاعر و دانشجوی جوانی به نام پائول فلمینگ (۱۶۴۰-۱۶۰۹) است که تحصیل در رشته پزشکی را ناتمام رها کرده و با این هیأت همراه شده است، زیرا در عشق پاک خود به مسیحیت و میهن گمان می‌کند رسالت این هیأت برقراری اتحاد میان روسیه و ایران، همسایگان شمالی و شرقی ترکان عثمانی بر ضد این امپراتوری بزرگ اسلامی، و از این راه کاستن فشار ترکان بر اروپاییان باشد. و اگر که چنین شد، گروه‌های درگیر جنگ‌های خانگی در آلمان هم دست از برادرکشی بر خواهند داشت، علیه این دشمن خارجی متحد خواهند شد و صلح به مزارع سوخته آلمان باز خواهد گشت.

بخشی از هیأت در راه به طرف روسیه اقامتی یک‌ساله در روال، تالین امروزی دارد؛ از جمله فلمینگ که در این شهر دل به دختری بازرگان‌زاده به نام السابه می‌بازد که دیری او را دست‌به‌سر می‌کند، وقتی هم که نرم می‌شود با ادامه سفر این جوان به ایران سخت مخالف است. آلمانی‌ها در ۱۶۳۵ در نیشنی‌نووگرو^۲، گورکی امروز، با کشتی‌ای که در این فرصت یک‌ساله ساخته‌اند، در طول ولگا و ساحل غربی خزر رو به طرف دربند در داغستان شراع می‌کشند، و همراه با آن‌ها فلمینگ جوان هم که می‌نماید السابه را به صبر و انتظار متقاعد کرده باشد.

چکامه غرورآمیز حاضر که به سبک شعر باروک پُر از شخصیت‌های

1. Adam Olearius

2. Nizhny Novgorod

اسطوره‌ای است، در چنین حال و هوایی است که سروده می‌شود. اما هنوز مُرکب این سونِت خشک نشده که توفانی سهمگین در می‌گیرد، و این می‌تواند پیش‌نشان رویدادهایی شوم باشد. کشتی چندین فرسنگ دورتر از دربند به ساحل کشیده می‌شود. هیأت، ناچار از راه خشکی به راه ادامه می‌دهد و با عبور از اردبیل، قزوین، ری، قم و کاشان در سوم اوت ۱۶۳۷ به اصفهان می‌رسد. سفر می‌نماید به زحمت جانکاهش ارزیده باشد، چرا که شاه صفی با وجود بدبینی‌های نخستین، خواهان معامله است. هیأت پس از اقامتی سه ماهه در اصفهان از راه رشت و آستارا به طرف خانه برمی‌گردد. در این میان فلمینگ، دل‌آکنده از امید به موفقیت‌های آینده، شاید که توفان دریای خزر را از یاد برده است. سرانجام در ۱۶۳۹ اعضای هیأت و همراه آن‌ها، حق‌وردی ایرانی، به دربار هولشتاین می‌رسند. اما تنها یک سال بعد از بازگشت به میهن، در ۱۶۴۰ پائول فلمینگ، شاعر خوش قریحه و جوان در غایت فرسودگی و دل‌سردی می‌میرد.

در سال‌های سفر او به ایران، السابه چشم‌به‌راه نمانده و شوهر اختیار کرده است؛ اسپانیا، متحد هولشتاین در نبردی دریایی از هلند شکست سختی خورده است که در نتیجه آن همه اهداف سفر به ایران نافرجام مانده‌اند؛ و سرانجام آن‌که جنگ سی ساله همچنان میلیون‌ها انسان را به کام مرگ می‌کشد و هر کسی هم از چنگ جنگ می‌رهد، در چنگال مرض‌های همه‌گیری که خود تنها یکی از پیامدهای جنگ است گرفتار می‌شود و از پا در می‌آید.